

یکم بهمن ماه ۱۴۰۰

نشست دوازدهم

آیات الاحکام ۲

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين

این سوال مطرح شد در جلسه قبل که آیا ادعای توبه و لفظ آن کافی است یا باید عملی دال بر ثبوت توبه از فرد صادر شود؟ آیا باید توبه او در جلو حاکم و یا امام باشد یا این که جای دیگری هم باشد کفایت می کند؟

در این نشست من ترجیح می دهم که خود کلاس وارد شود و نظر کلاس و نظر تحقیق مطرح شود من دوست دارم که شما گرامیان در این باره توجه ویژه داشته باشید.

شکی نیست که در این باره ما بهترین سندمان قرآن است. ببینیم راجع به توبه مستحقین حد ، قرآن چه دارد.

آیات ۱۵ و ۱۶ سوره نساء را راجع به مردان و زنانی که خلاقی را انجام داده اند، بیان کردیم. قرآن می فرماید:

فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَحِيمًا؛

با تمسک به قرآن این مطلب استنباط می شود که حتما باید توبه آن ها را پذیرفت فاعرضوا عنهما.... ولی نکته ای که این جا دارد این که : تابا و اصلحا یعنی صرف توبه نیست خدمت مراجع باید گفت که اگر این آیه مستمسک و مستدل ما و مستند ما باشد؛ یعنی هم توبه کنند هم این که عمل صالح انجام دهند اما این هم که گفته شود باید حتما جزء توبه باشد این گونه نیست؛ قطعاً توبه از عمل صالح جدا است.

توبه یعنی پشیمانی از گناه الی الله امام سجاد علیه السلام می فرمایند : اگر پشیمانی بر گناه ، توبه است من از نادمین و از تائبین هستم ؛ منتها این را هم میدانید که اگر کسی پشیمان شود به خاطر ضرر بدنی او ... قطعاً این را توبه نمی گویند ... توبوا الی بارئکم توبوا الی الله

طبق این آیه صرف توبه کافی نیست باید اصلاح حال هم شود؛

میرسیم سراغ آیه ۳۴ سوره مبارکه مائده که می فرماید: إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ اَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

در این آیه ، معیار توبه قبل از دستگیری است .

در آیه ۳۹ سوره مبارکه مائده می فرماید:

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

توبه کند و اصلاح کند حال خود را البته ممکن است این جا منظور از اصلاح این باشد که مالی را که از دیگران دزدیده است به صاحبانش برگرداند .

می رویم سراغ مبارکه نور؛ در آیه ۵ خداوند می فرماید:

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

به هر حال با این که سوره نور در خصوص مرد و زن زناکار هست اما قرآن می فرماید اگر توبه کنند ، توبه آن ها موثر است ..

ولی تابوا و اصلحوا.....

مرحوم شیخ حر عاملی بای دارد در جلد ۲۸ وسائل بای دارد با این عنوان: باب ان من تاب قبل ان يأخذ سقط عنه الحد

.....

در حدیثی دیگر هست که :

في رجل سرق او شرب الخمر او زني لم يعلم ذلك لم يقم عليه الحد

قال ابن ابي عمير : فان كان امرا قريبا لم تقم ؟ اگر تازه انجام داده باشد، باز هم آیا حد جاری نمی شود؟

در ادامه فرمودند ان تاب فماعليه شئ وان وقع في يد الامام اقام عليه الحد

باب ۱۷ باب عفو امام است که من وارد نمی شوم ...

من فکر می کنم فضایی که از آیات و روایات در این باره گفتیم با آن چه علما گفته اند، متفاوت است.

در فضای آیات ، این است که طرف توبه کند . در آیات هم توبه هست و اصلاح و در حالی که در فضای کلمات علما صرفا اظهار توبه است والسلام این جا است که ما باید مقداری متوقف شویم .

ما مسائلی را که می خواهیم استنباط کنیم باید طبیعی انگاری کنیم ؛ وقتی شرع مقدس جرم انگاری می کندو برای جرم احکامی قرار میدهد ، البته از طرفی سخت گیری خودش را نشان میدهد لذا می گوید شفاعت معنا ندارد یا کفالت نهحتی جاهایی هم معتقد است که امام هم نمی تواند که عفو کند... و از طرفی هم سعه صدر خودش را نشان میدهد .

این جاست که ما باید مساله را طبیعی نگاه کنیمبه این معنا که اصل توبه را قبول کنیم اما نباید مساله از حالت طبیعی خارج شود و یک حالت مسخره پیدا کند ؛ لذا توبه را قبول می کنند اگر خودش حادث شود توبه را قبول می کنند مثلا اگر یک اصلاح حالی از او دیده شود.چقدر قرآن زیبا با مساله رفتار می کند...

توبه هم مثل چیزهای دیگر است که باید احراز شود ؛ بحث این است که امام یا قاضی از توبه این فرد باید به نتیجه برسد و فرد واقعا توبه کرده باشد....و لذا اگر اطمینان به خلاف دارد اگر علم به خلاف دارد و اگر نرسیده است به توبه این جا نمی تواند قبول کند البته این نکته هم هست که فرد برای توبه خود نمی تواند سند بیاورد .

سوال این است که آیا اظهار لفظ دال بر توبه آیا برای سقوط حد کافی است ؟

جواب : کافی است....

به نظر من آن نظری می توانست درست باشد که میگفت ظاهر ادله این است که باید عملی نیز از او ظاهر شود که دال بر توبه باشد البته این جا من روی عملی که باید ظاهر شود تاکید دارم یا حالش گواهی دهد .

راجع به سوال دوم در مواردی که اقامه بینه مسقط حد است آیا ثبوت توبه قبل از بینه عند الحاکم باید باشد؟ اصلا بحث حاکم مطرح نیستاصلا این سوال یک سوال انحرافی است .

آن چه مطرح است این که با پای خودش بیاید و قبل از دستگیری تا احراز شود توبه او

قاعده تدرء الحدود بالشبهات هم گفتیم این قاعده ، قاعده تمامی نیست.

سوالی هم شده بود که اگر توبه واقعی در کار باشد آیا مسقط است که باید گفت :آری مسقط است و ظاهر همه حدود را هم شامل می شود ولو مثل قذف باشد که حق الناس هم داخلش هست ...

ما در حد آیات الاحکام و نه حدود این جا بحث می کنیم

ضمنا ماهیت شناسی توبه هم معلوم شد .

یک نکته تاب وقتی فاعلش انسان باشد

یعنی توبه کرده و وقتی خداوند باشد یعنی توبه را پذیرفته است.

تواب رحیم یعنی توبه پذیر

و معنای اصلی آن رجوع است. منتها به معنای رجوع بنده به خدا از روی پشیمانی و چون به طرف خدا می رود با حرف الی آمده است. رجوع بنده به خدا با الی است چون به سوی خدا است اما رجوع خدا به بنده با «علی» می آید چون ریزش لطف بر سر بنده است.

بیان شرایط تحقیق و امتحان

یک نکته اخلاقی : روزی دو رکعت نماز هر روز برای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف بخوانید. هر زمان خواستید بخوانید بنده خودم هر روز بعد از نماز صبح می خوانم. ایشان را هم دعا کنیم که قطعا امام زمان هم ما را از دعای خیر خود بی نصیب نمی گذارند. امیدوارم شما را اناثا و ذکورا در سیمای عالمان بزرگ در آینده ببینم. الحمد لله رب العالمین .